

تبیین الگوی توسعه ای و آموزش کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی شغلی (مطالعه موردی: مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) استان تهران)

ماشالله ولیخانی^۱، محسن ولیئی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به ارائه الگوی توسعه ای و آموزش کارآفرینی در بین مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) پرداخته است، که با استفاده از روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و بهره گیری از نرم افزار لیزرل، الگوی فوق مورد برازش قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰ نفر از بین نخبگان (به منظور تدوین الگوی توسعه ای و آموزش کارآفرینی) و همچنین ۳۸۴ نفر از مددجویان کمیته امداد امام (ره) (به منظور ارزیابی نهایی الگوی ارائه شده) به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند و روایی پرسشنامه نیز با استفاده از اعتبار صوری (نظر اساتید متخصص) مورد ارزیابی قرار گرفت و همچنین به دلیل اینکه میزان آلفای بدست آمده بالای ۰/۷ بوده است، اعتبار پرسشنامه مورد تأیید بوده و نتایج تحقیق حاکی از آن است که گرایش به ریسک پذیری مددجویان و نیاز به استقلال و موفقیت و انگیزه طلبی آنها (متغیرهای فردی) و همچنین نیازسنجی فعالیتهای کارآفرینی و هدفمندی نیازها و حمایت مدیریت و فرهنگ کارآفرینی (متغیرهای سازمانی) به عنوان مهمترین عوامل اثرگذار مورد تایید قرار گرفتند و علاوه بر آن: حمایت مراکز آموزشی و صنعتگران از مددجویان کارآفرین و توانایی غلبه بر موانع موجود و قابلیت دسترسی مددجویان به منابع مورد نیاز در این مدل به عنوان متغیرهای تعدیل کننده شناسایی شده و در نهایت منجر به: توانمندسازی شغلی و رضایتمندی مددجویان (متغیرهای فردی) و رشد خدمات و بهبود فرآیند کسب و کار و ترویج فرهنگ خوداتکایی (متغیرهای سازمانی) در این مدل گردیده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش، تحول، توسعه، توسعه پایدار، توانمندی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

^۱ استادیار، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (Email: Valikhani_dehaghan.ac.ir)

^۲ دانش آموخته دکتری مدیریت کارآفرینی، پژوهشکده مهندسی بحران های طبیعی شاخص پژوه، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Valee@dehaghan.ac.ir)

مقدمه

موضوع توسعه یکی از موضوعاتی است که نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بلکه در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی، به طور اخص و علوم اجتماعی، به طور اعم، مورد بحث قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان توسعه، مقوله توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد مادی و عینی، به ویژه تولید اقتصادی، اشاره دارد، در حالی که مفهوم توسعه دربردارنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی است. از این رو، در ادبیات مربوط به توسعه از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سخن به میان می‌آید. صاحب نظران کلاسیک علوم اجتماعی چنین تصور می‌کردند که پیشرفت جامعه انسانی در گرو رشد و توسعه اقتصادی است، اما بعداً ملاحظه کردند که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، جامعه نیازمند برخی ضروریات دیگر، از جمله توزیع عادلانه درآمد، شکوفایی استعدادها، گوناگون و شخصیت انسانی، سلامت جسمانی و روانی، افزایش امید به زندگی، برقراری برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی اجتماعی به دور از انواع سلطه، و به طور کلی، تحقق یک جامعه مدنی و انسانی است. از این رو، امروزه گفته می‌شود تمامی انواع توسعه وسایلی هستند برای تحقق یک جامعه مدنی و انسانی. چنین جامعه‌ای را می‌توان یک جامعه توسعه یافته در معنای واقعی آن به شمار آورد. مهم‌ترین نکاتی که در تعریف توسعه باید مد نظر داشت عبارتند از این که، اولاً باید توسعه را یک مقوله ارزشی به شمار بیاوریم، ثانیاً باید آن را جریانی چند بعدی و پیچیده بدانیم، و ثالثاً، باید به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۵).

تحولات سریع عصر ارتباطات و اطلاعات، تغییرات فناوری و روش‌های تولید، جهانی شدن سیاست‌های تعدیل، الگوهای جدید اشتغال و دگرگونی‌های محیطی، رعایت اصول استانداردهای کار را با رویکردهای نوینی مواجه ساخته است. از این رو شاهد مهم‌ترین علت توجه به آموزش، افزایش نقش دانش و مهارت در فعالیت‌های اقتصادی و نیز تغییر و ارتقاء دائمی آنهاست، توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان حال بدون آسیب به توانایی‌های نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد. توسعه پایدار خود جنبه‌های زیادی دارد همچون توسعه پایدار اقتصادی، توسعه پایدار اجتماعی، و توسعه پایدار شهری می‌باشد. کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه، در برهه‌ای از زمان با پدیده افزایش جمعیت شهرنشینی مواجه بوده و یا خواهند بود. کشورهای در حال توسعه که غالباً در دهه‌های اخیر با این پدیده روبرو شده‌اند، با مشکلات بیشتری در این عرصه مواجه هستند. همگام با افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلان‌شهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران‌ناپذیری برای بشر پدید آمده است. چراکه از یک سو نرخ شهرنشینی در آنها بیشتر از نرخ شهرنشینی کشورهای توسعه یافته - در دوران اوج شهرنشینی - است و از سوی دیگر اکثر قریب به اتفاق چنین کشورهایی با کمبود شدید منابع مالی مواجه‌اند. این امر با توجه به هزینه بر بودن طرح‌های معمول توسعه شهری - نظیر پروژه‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده - این کشورها را با معضل اساسی مواجه کرده است. از مهمترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی در کنار عدم تامین زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، بوجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال داشته است. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که از اوایل قرن بیستم به صورت سازمان یافته در معرض پدیده‌های نوسازی غرب قرار گرفته است، طی دهه‌های گذشته به شدت متأثر از روند شهرنشینی بوده و به نوعی عدم تعادل در حوزه‌های جمعیتی و اقتصادی را دچار شده است (فتحی و نوابخش، ۱۳۹۳). در گذشته، سطح دانش و سرعت تحولات در مهارت چنان بود که آموزش‌های سینه به سینه و استاد شاگردی (همان‌طور که هنوز در زمینه‌های هنری وجه غالب است) برای رفع نیازها کفایت می‌کرد بنابراین روش توسعه فعالیت‌های آموزشی ضروری است ناشی از افزایش حجم و تغییر دانش و مهارت مورد نیاز برای انجام فعالیت‌ها، تبدیل هر چه بیشتر دانش ضمنی به دانش صریح و توسعه فناوری آموزشی و اطلاعات و ارتباطات. آموزش، فرایند توانا سازی نیروی انسانی

است، نیروی انسانی که موتور محرکه توسعه است. هر مجموعه آموزشی بسان یک نظام، از مجموعه مولفه‌های متعاملی شکل گرفته است که اگر آموزش گران با نگرش صحیح در فرایند آموزش و یادگیری به آن وارد نشوند، دانش آموختگان با تمامی آموخته‌ها، مهارت‌ها، روحیات و نگرش‌هایشان، به عنوان خروجی نظام آموزشی از کیفیت لازم برخوردار نخواهند بود (حاجی میر رحیمی و مخبر، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه آموزش کارآفرینی مقوله مهمی است که کشورهای پیشرفته در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی نسبت به آن توجه جدی مبذول داشته‌اند و پرورش کارآفرینان را در اولویت برنامه‌های توسعه خود قرار داده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاست‌گذاری و پشتیبانی‌های اجرایی دولت‌ها به سرانجام رسیده است. بررسی تجربیات بسیاری از کارآفرینان نشان می‌دهد که بسیاری از افراد کارآفرین که پیشینه آموزش خاصی نداشته‌اند لزوماً بعد از چندین بار سعی و خطا و شکست، آن‌ها را رها کرده و تنها تعدادی از آنها قادر به ادامه فعالیت بوده‌اند. در صورتی که با آموزش صحیح مهارت‌های لازم به این افراد، می‌توان ریسک و خطر موجود در این زمینه را کاهش داد. به گونه‌ای که موفقیت آنها به میزان زیادی افزایش یابد و از این طریق امکان دست‌یابی به اهداف و فواید مورد نظر فراهم گردد. از طرفی با ورود جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به عرصه مطالعات و تحقیقات پیرامون کارآفرینی و کارآفرینان و نتایجی که از این تحقیقات حاصل شده ضرورت کارآفرینی و توسعه آن (به ویژه آموزش کارآفرینی) بیش از پیش مشهود گردید. همین امر موجب افزایش تلاش‌ها برای توسعه کارآفرینی و آموزش آن در دو دهه گذشته شده است (کوجو، ۲۰۰۳).

از سویی دیگر با مراجعه به اطلاعات موجود در خصوص برنامه‌های درسی دانشگاهی در زمینه کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، اهمیت نظام آموزشی و پژوهشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. (یداللهی و میرعرب رضی، ۱۳۸۸) هر روزه در سراسر جهان مفهوم کارآفرینی محبوبیت بیشتری پیدا می‌کند و هم‌زمان علاقه فراوانی به رشته‌های دانشگاهی هم در زمینه تحقیقاتی و هم کاربردی به وجود آمده است. بنابراین برنامه‌ی آموزش کارآفرینی یک فرایند پیچیده است که طیف وسیعی از اهداف را شامل می‌شود، از جمله: ارایه دانش بیشتر و بهتر به افراد برای خلق، مدیریت و رشد کسب و کارهای کارآفرینانه‌ی مخاطره‌پذیر، ارایه‌ی آگاهی بیشتر در مورد کارآفرینی، افزایش قابلیت افراد برای عملکرد کارآفرینانه در تمامی مسیرهای زندگی (با ارایه مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها به آنها برای استقبال از تغییرات و خوداتکایی). هدف سوم را می‌توان در مراحل اولیه‌ی فرایند آموزش (آموزش مقاطع ابتدایی و متوسطه) محقق کرد، اما اهداف اول و دوم احتمالاً بیشتر در آموزش دانشگاهی مد نظر قرار می‌گیرند. موسسات آکادمیک و برنامه‌های آنها باید تاثیر بیشتری بر توسعه و انگیزش مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های کارآفرینانه داشته باشند (کاتر، ۲۰۰۳). شکی نیست که آموزش کارآفرینی در پی ایجاد دانش و مهارت در افراد است تا از این طریق، احتمال موفقیت کارآفرینانه آنها را افزایش دهد. از آن جا که این موفقیت وابسته به محیط است، دانش و مهارت‌های مربوط به آن نیز باید آموخته. توسعه کارآفرینی نقش شایسته‌ای برای حضور فعال در بازارهای جهانی، رقبا، اشتغال‌زایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه، دولت و بخش عمومی دارد.

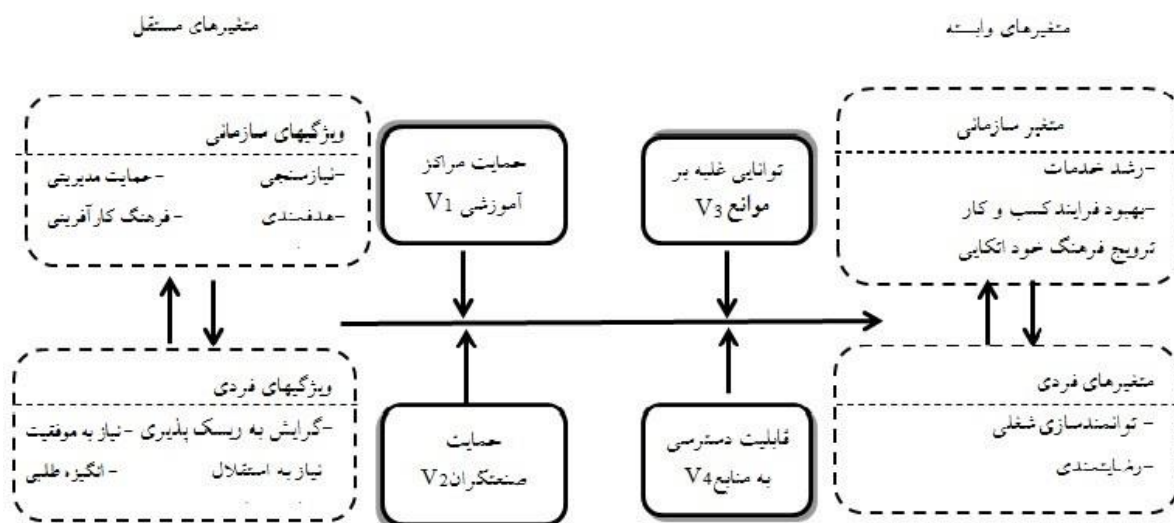
پس از روشن شدن اهمیت کارآفرینی، ضرورت توجه و تربیت افراد غیرکارآفرین و آموزش کارآفرینی به آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. از این رو فعالیت‌های آموزشی برای تربیت کارآفرینان در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی در ایران قرار گرفته، چرا که لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است. همچنین با توجه به تاکید دولت در برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر توانمندسازی و خروج سالانه ۱۰ درصد از افراد دارای قابلیت بازتوانی از چرخه حمایت، می‌بایست آموزش کارآفرینی به افراد محروم و فقیر جامعه، جهت اجرای عدالت و کاهش فقر مورد توجه روز افزون دولتمردان قرار گیرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های جهان امروز، تغییرات گسترده، افزایش پیچیدگی‌ها و رقابت‌هاست. سازمانهای امروزی در محیطی پیچیده و در عین حال پویا فعالیت می‌کنند. تحولات عظیم و مستمر از خصوصیات این محیط و فضای کسب و کار است که لزوم توجه به هماهنگی با محیط را پررنگ می‌کند (ورسینگتون، ۲۰۰۶). فقر و ناتوانی نتیجه بیکاری و محرومیت فرد از داشتن درآمد کافی برای معاش و زندگی آبرومندانه در

جامعه است (فروزنده، ۱۳۷۷). فقرا عموماً از استعداد و توانمندی‌های بالقوه خوبی برخوردارند که زیر خاکستر فقر پنهان مانده‌اند. این افراد کسانی هستند که به دلایل مختلف به فقر ناخواسته گرفتار شده‌اند. بنابراین فراهم نمودن بستر راه‌اندازی کسب و کار به‌عنوان بازوی توانمند مبارزه با فقر موجب خرید و فروش کالا، تولید یا عرضه خدمات به منظور به دست آوردن سود خواهد شد (سعدی و مازار، ۱۳۸۵). برخلاف باور عمومی تنها هدف ایجاد کسب و کار به دست آوردن سود اقتصادی نیست، بلکه خود وسیله‌ای برای ساختن انسان است و مراحل از کمال انسان محسوب می‌شود. آموزشهای کارآفرینی اهداف مهمی را در پی دارد: آموزش و ارتقاء سطح آگاهی‌های افراد نیازمند از طریق افزایش توان فکری، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های کسب و کار آنها، افزایش توان اقتصادی افراد و خانواده‌های مستعد تا مرز خودکفایی کامل به نحوی که آثار فقر و محرومیت از زندگی فردی و خانوادگی ایشان محو گردد، اشاعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه (جعفری مهتاش، ۱۳۸۵). مشتمل بر فرآیندی پنج سطحی می‌داند که شامل سطوح زیر می‌باشد: آموزش با تاکید بر بهبود خود اتکایی جامعه هدف، تسهیل‌گری با تاکید بر فراهم‌سازی راهنمایی‌های عمومی و سوق دهی اعضای جامعه هدف به سمت شناخت و اولویت‌بندی مشکلات‌شان، حمایت با تاکید بر ایفای نقش حمایتی وابستگان و دست‌اندرکاران دولتی از پیشنهادات توسعه‌ای افراد محلی، آشکارسازی با تاکید بر آگاه‌سازی، روشنگری و ایجاد انگیزه در میان اعضای جامعه هدف برای همراهی با دیگر عوامل برنامه، آزادسازی با تاکید بر فرصت‌سازی خودخواسته و رهایی فرد از قیدهای گذشته.

مفهوم کارآفرینی به‌عنوان راهکاری برای توانمندسازی افرادی که بنا به دلایل مختلف از چرخه اقتصادی به دور افتاده‌اند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از این رو مدیران به‌طور روزافزون تلاش می‌کنند تا دریابند برای توانمندسازی افراد نیازمند، چه دوره‌های آموزشی را بایست ترتیب دهند تا این افراد را کارآفرین و خلاق سازند تا بتوانند باعث رشد و پیشرفت این افراد شوند. از طرفی کارآفرینی به دست نیروی انسانی خلاق صورت می‌گیرد. به همین جهت فرآیند کارآفرینی نیازمند افرادی است که بتواند بهترین استفاده از تکنولوژی پیشرفته را ارائه داده و نوآوری را بیابد و بتواند برای جامعه مفید و سودمند باشد. یکی از راهکارهای تحقق این امر، توانمندسازی افراد نیازمند و مددجو می‌باشد که می‌تواند ابزاری بسیار کارآمد بر پایه نگرش تحول ساز در روند توسعه باشد به گونه‌ای که با بکارگیری آن، مسئولین امداد می‌توانند گام‌های بسیار بلند و سریعی را در مسیر توسعه و رشد و کاهش فقر بردانند. توانمندسازی افراد مددجو می‌تواند به آنها برای توسعه مهارت‌های مختلف و ارتقای سطح آگاهی کمک کرده و تعهد آنها را نسبت به جامعه خویش افزایش داده و فرصت‌های شغلی آنها را گسترش دهد. کمیته امداد امام خمینی^(ره) به‌عنوان مهمترین نهاد حمایتی در جهت مبارزه با ابعاد مختلف فقر در جامعه نقش موثری دارد. این نهاد در چهارچوب وظایف تعیین شده در اساسنامه و مأموریت‌های محوله دولت اقشار مختلفی را تحت حمایت خود قرار داده است که این ویژگی یکی از بارزترین فرصت‌هایی است که در اختیار این نهاد قرار دارد (قائدی، ۱۳۸۵). تجارب عملی بدست آمده در این نهاد در راستای کارآفرینی اقشار نیازمند این امکان را به‌وجود می‌آورد که این نهاد نسبت به کشف، خلق یا ارزیابی الگوهای مناسب کارآفرینی اقدامات موثری را مخصوصاً در زمینه اشتغال از خود بروز دهد و با سهولت بیشتری آنها را در بین افراد نیازمند جامعه جهت تولید کالاها و خدمات نوین در پرتو ارزش‌های جامعه ترویج نماید. در این راستا هدایت اقشار مختلف به سمت استفاده از تمامی توان‌های موجود جهت طراحی ساختار ناحیه محوری و افزایش اختیارات در مقیاس کوچک در نظام پیچیده اجتماعی یکی از راهکارهای ارزنده مدیریتی می‌باشد (قائدی، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه اکثر مددجویان تحت حمایت امداد از دهک‌های پایین درآمد قرار دارند، شکاف فقر در بین این اقشار به حداکثر رسیده و کمک‌نهادهای حمایتی هم در حدی نیست که پاسخگوی نیاز ضروری خانواده‌های تحت پوشش باشد، بسیاری از افراد در این قشر بیکار و هیچ درآمد دیگری ندارند. برخی هم برای رهایی از این تنگنا شرایط ناگواری را می‌پذیرد و به کارهایی تن می‌دهند که سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد این رویدادها ممکن است منجر به ناهنجاری‌های دیگری شود که رفع آن مستلزم صرف هزینه‌های بسیاری خواهد بود. برای رهایی از این شکل بهترین راهکار ایجاد زمینه مناسب جهت فعالیت‌های اقتصادی با رویکرد اشتغال برای

اعضای خانوار می‌باشد. لذا کمیته امداد امام خمینی^(۵) نیز این راهکار را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و مصمم می‌باشد تا کمبود مخارج مددجویان را از طریق شناسایی استعدادها و نهفته آنان و تلاش در جهت ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی و در نتیجه تأمین مخارج آنان بواسطه کار و تلاش خودشان انجام دهد (معاونت اشتغال و خودکفایی، ۱۳۹۰). طبق گفته‌های محققین و اندیشمندان، روحیه انسان برای توفیق در دوران کودکی شکل می‌گیرد، ولی در عین حال می‌توان با یک برنامه صحیح آموزشی روحیه خلاق و رسالت کاری را در افراد به وجود آورد. امروزه کارآفرینی به عنوان یک علم میان رشته‌ای شناخته می‌شود که اهمیت آموزش در آن به منظور دستیابی به نقطه آغازی در بهبود و انگیزش گرایش‌های افراد، همچون تمایل به استقلال، فرصت جویی، ابتکار، تمایل خطر پذیری، تعهد به کار و لذت بردن از عدم قطعیت و ابهام، بر هیچ کسی پوشیده نیست. برای این منظور برنامه‌های صحیح تعلیم و تعلم در جوامع مترقی به نحوی عملیاتی می‌شود که در جامعه کوشش برای بهبود معیشت یا اخلاق کار نهادینه گردد. برای این منظور آموزش دادن مهارت‌های زندگی به عنوان کاربردی‌ترین روش آموزش در اولویت برنامه‌های آموزشی قرار داده می‌شود، مهارت‌های زندگی محتمل بر مجموعه‌ای از برنامه‌های ابزاری مناسب و در دسترس برای پرورش جنبه‌ها و استعدادها و موارد نیاز جوامع مخصوصاً زنان جهت حفظ حرمت و شأن اجتماعی خویش مهم در نظر گرفته می‌شود. نوع و نحوه ارائه اثر بخش موضوعات آموزشی به نحوی باید انتخاب شود که نه تنها باعث اتلاف وقت نگردد بلکه مقدمات تربیت افرادی توانمند جهت تحقق اهداف کلان کشور را فراهم نماید. با بررسی مزایا و ابعاد مختلف ایجاد اشتغال در بین نیازمندان جامعه، ایجاد فضای مناسب برای انجام فعالیت‌های مختلف کسب و کار در توانمندسازی افراد نقش بسزایی ایفاء می‌نماید و در همین راستا آموزش و ارتقاء سطح آگاهی‌های افراد نیازمند از طریق افزایش توان فکری، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های کسب و کار آنها. افزایش توان اقتصادی افراد و خانواده‌های مستعد تا مرز خودکفائی آنها به نحوی که آثار فقر و محرومیت از زندگی فردی و خانوادگی زنانی که سایه سرپرست بر سر خویش ندارند و بایست تکفل چندین نفر را نیز بر دوش خویش بگیرند و همین شاید باعث ترویج فرهنگ کارآفرینی و در نتیجه رفع سایه محرومیت و در نهایت استقلال و زندگی مناسب زنان سرپرست خانواده شود. از الزامات و ضرورت انجام تحقیق می‌توان به این مهم اشاره نمود که با توجه به اینکه جامعه هدف نهاد کمیته امداد امام خمینی^(۵)، افرادی هستند که بر خلاف سازمانهای همسویی مثل سازمان بهزیستی، افراد سالم و بالقوه توانمندی هستند، لذا قابلیت پذیرش و کاربرد آموزش‌ها در جهت بهبود وضعیت معیشت خویش را دارند. در همین راستا مواردی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت که در تحقیقات پیشین به آنها پرداخته نشده است، از جمله: نوع و میزان آموزش و تاثیر شرایطی مثل شرایط اجتماعی - فرهنگی، اقلیم و آب و هوا و ... و دلیل دیگر نبودن و ارزشمند بودن تحقیق حاضر این است که با توجه به تدابیر مختلف، نتیجه تحقیق حاضر به حتم به صورت جدی در این نهاد به کار گرفته خواهد شد که همین بحث، ضرورت کار را دو چندان می‌نماید. کمیته امداد امام خمینی^(۵) به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نهادهای حمایتی کشور بیش از پنج میلیون نفر از اقشار نیازمند را تحت پوشش خدمات متنوع خود قرار داده و تلاش دارد با برنامه‌های آموزشهای کارآفرینی امکان خودکفایی و استقلال آنها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره را فراهم نماید.

لذا اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که تبیین الگوی توسعه ای و آموزش کارآفرینی در بین مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی^(۵) استان تهران را مورد بررسی قرار دهد، تا بر این اساس بتوان راهکارهای در جهت افزایش توانمندسازی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی^(۵) استان تهران را فراهم نماید.

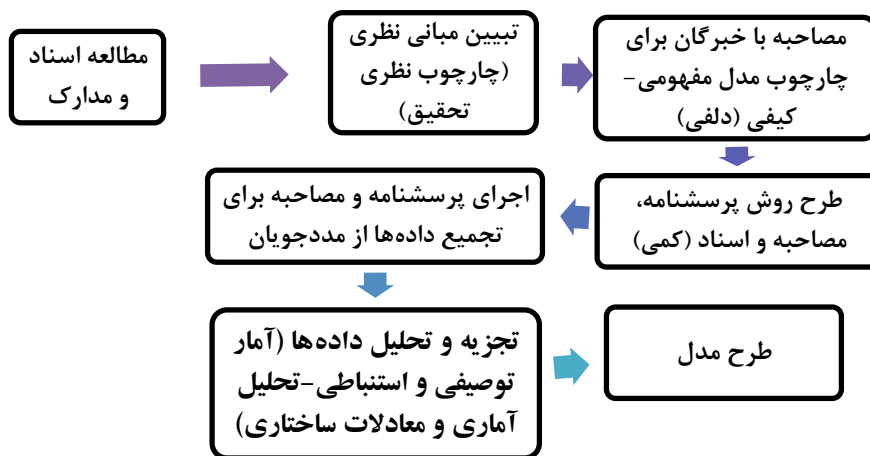


نمودار (۱): الگوی توسعه ای و آموزش کارآفرینی (برگرفته از چارچوب نظری و پیشینه تحقیق)

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و از نظر روش اسنادی - پیمایشی می باشد. در این راستا برای تعیین معرفهای توانمندسازی شغلی و عوامل تبیین کننده این متغیر علاوه بر مراجعه به پیشینه پژوهش از طرح مطالعات کیفی و با استفاده از روش مصاحبه غیر ساخت یافته استفاده می شود. طی این روش مشخص می شود که معرفهای تعیین شده برای توانمندسازی شغلی تا چه اندازه روایی دارند. برای ساخت و تبیین مدل تحقیق از روش تصمیم گیری گروهی و تکنیک دلفی که جامعه پژوهشی شامل نخبگان است، استفاده شده است. تکنیک دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سوال است تکیه اصلی این تحقیق برای جمع آوری داده ها جهت تجزیه و تحلیل آماری پرسشنامه می باشد. جهت تدوین پرسشنامه و بررسی روایی و پایایی تحقیق از مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسش نامه تحقیق از روش اعتبار سازه استفاده شده است. در این شیوه، ارزیابی در اعتبار سازه، سنجش بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت گرفته است (دواس، ۱۳۸۳). همچنین در این تحقیق از اعتبار صوری نیز استفاده شده است. محقق در این تحقیق نظر متخصصان و اساتید خبره را در نظر گرفته و در فرآیند تحقیق از نظرات متخصصان این رشته و همچنین افرادی که در این زمینه کار کرده اند، بهره گرفته است. برای سنجش روایی محقق حدود ۲۰ پرسشنامه را در اختیار متخصصان و نخبگان قرار داد و سپس با اعمال نظر آنها پرسشنامه نهایی تنظیم شد. بمنظور پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه بین ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری پیش آزمون شد و میزان آلفای ۰/۹۲۰ بدست آمد.

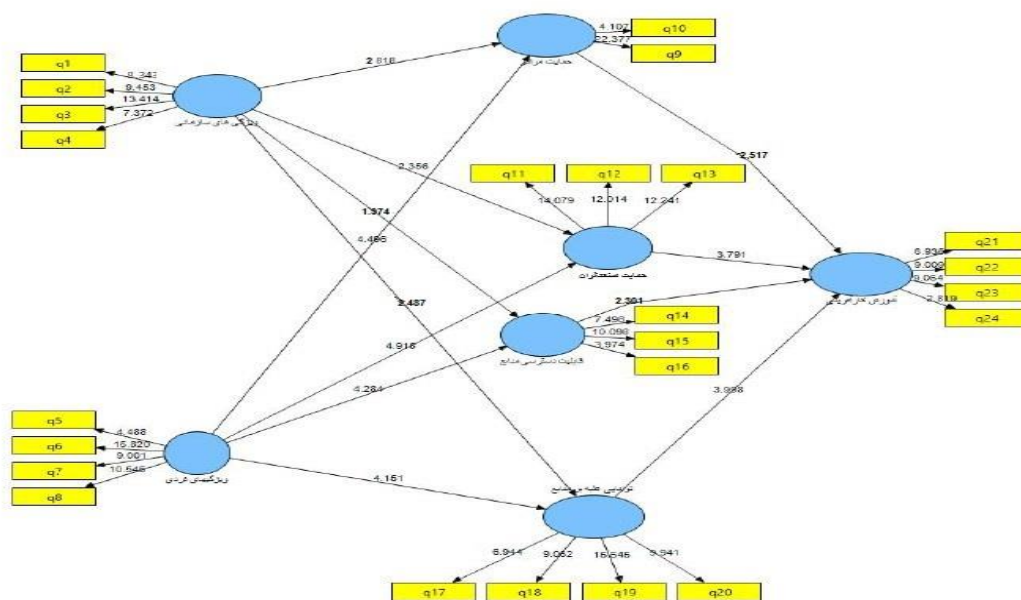
مراحل انجام این پژوهش را می توان به طور خلاصه در موارد زیر خلاصه کرد: طرح تحقیق و تبیین و تعریف مساله، بررسی نظریه ها و الگوهای مرتبط با آموزشهای کارآفرینی، تدوین چارچوب نظری و مفهومی تحقیق براساس مرحله دوم، تدوین روش تحقیق برای پاسخ گویی به صورت مساله و تهیه و تدوین و آزمون فرضیات مربوطه، طراحی و تدوین ابزار گردآوری داده های کمی، اصلاح و تکمیل پرسشنامه و تعیین روایی و پایایی نهایی، انجام عملیات میدانی برای جمع آوری اطلاعات از منابع دست اول، کدگذاری و داده پردازی و تجزیه و تحلیل داده های کمی و تبیین الگو پس از تجزیه و تحلیل پاسخها با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، مؤلفه های استخراج شده الگوی پیشنهادی ارزیابی می شود. با روش تحلیل معادلات ساختاری میزان تاثیرگذار هر کدام از مولفه ها مشخص می گردد.



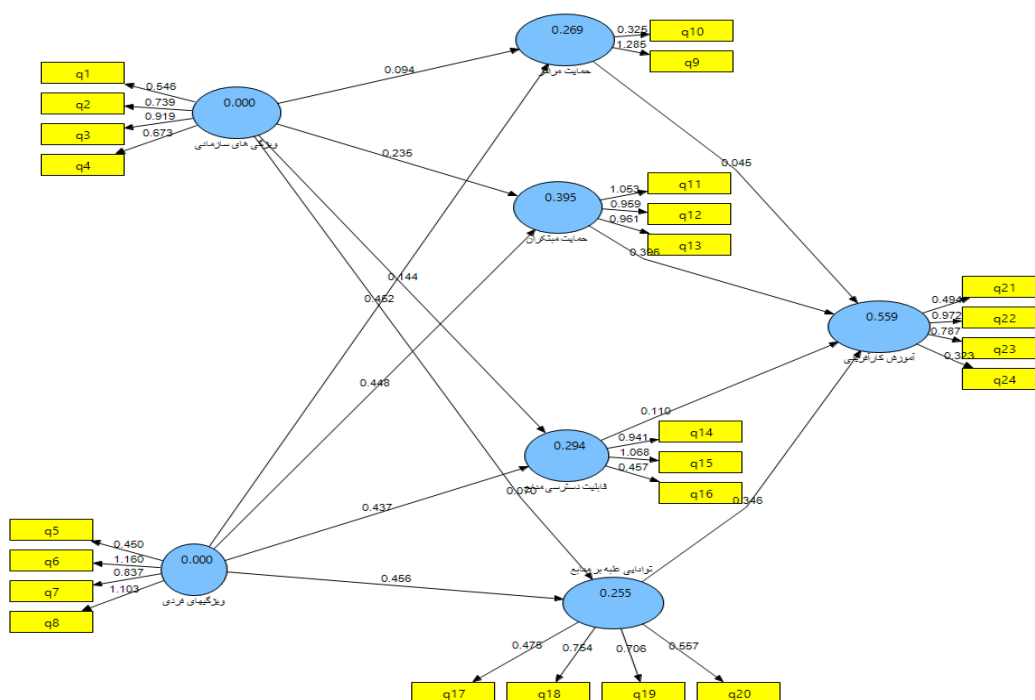
نمودار (۲): طرح مدل تحقیق

یافته‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل سوال این پژوهش: مدل سیستمی آموزش کارآفرینی در کمیته امداد امام خمینی^(ه) دارای چه ویژگی‌هایی است؟ با توجه به مدل ارائه شده در رابطه با تاثیر عامل‌های مدل بر یکدیگر از معادلات ساختاری استفاده شده است. متغیرهایی که در مدل تعریف می‌شوند در یک معادله متغیر مستقل هستند و در معادله‌های دیگر وابسته می‌باشند و این مطلب یک به هم پیوستگی در شکل معادلات به وجود آورده است. از این رو می‌بایستی تمام این معادلات با هم به طور همزمان در نظر گرفته شوند. در پژوهش حاضر پس از رسم مدل بر اساس داده‌ها اندازه پارامترهای مدل با استفاده از نرم افزار لیزرل به دست آمده است. بنابراین با استفاده از ضرایب گاما و استفاده از تست χ^2 روابط میان متغیرها مورد آزمون قرار گرفته اند. در ادامه با استفاده از نمودار ضرایب استاندارد مدل ساختاری و اندازه گیری و نمودار آماره تی برای ضرایب مدل روابط بین متغیرها نمایش داده شده است.



نمودار (۳): ضرایب استاندارد مدل ساختاری و اندازه گیری



نمودار (۴): نمودار آماره تی برای ضرایب مدل

جدول (۱): خلاصه نتایج روابط بین متغیرها

مسیر	ضرایب گاما	آماره	مقایسه با مقدار بحرانی	معنی داری رابطه
ویژگی‌های سازمانی ← حمایت مراکز آموزشی	۰/۰۹۴	۲/۸۱۸	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های سازمانی ← حمایت صنعتگران	۰/۲۳۵	۲/۳۵۶	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های سازمانی ← قابلیت دسترسی به منابع	۰/۱۴۴	۱/۹۷۴	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های سازمانی ← توانایی غلبه بر موانع	۰/۰۷۰	۲/۴۸۷	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های فردی ← حمایت مراکز آموزشی	۰/۱۴۴	۴/۴۹۶	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های فردی ← حمایت صنعتگران	۰/۴۴۸	۴/۹۱۸	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های فردی ← قابلیت دسترسی به منابع	۰/۴۳۷	۴/۲۸۴	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
ویژگی‌های فردی ← توانایی غلبه بر موانع	۰/۴۵۶	۴/۱۵۱	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
حمایت مراکز آموزشی ← متغیرهای خروجی	۰/۰۴۵	۲/۵۱۷	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
حمایت صنعتگران ← متغیرهای خروجی	۰/۳۹۶	۳/۷۹۱	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
قابلیت دسترسی به منابع ← متغیرهای خروجی	۰/۱۱۰	۲/۳۰۱	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار
توانایی غلبه بر موانع ← متغیرهای خروجی	۰/۳۴۶	۳/۹۸۹	بزرگتر از ۱/۹۶	معنی دار

نتایج ناشی از روابط متغیرهای موجود در تحقیق نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های سازمانی (نیازسنجی، هدفمندی، حمایت مدیریت و فرهنگ کارآفرینی) و ویژگی‌های فردی (گرایش به ریسک پذیری، نیاز به استقلال، نیاز به موفقیت، انگیزه طلبی) با متغیرهای تعدیلگر رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر یک از این متغیرها افزایش یابند به اندازه ضریب گامای متعلق به همان رابطه، حمایت مراکز آموزشی، توانایی غلبه بر موانع، حمایت صنعتگران و قابلیت دسترسی به منابع بیشتر خواهد شد.

نتایج حاصل از این تحقیق بر اساس جدول فوق بیانگر آن است که با افزایش یک واحد در مقدار متغیر ویژگی های سازمانی بترتیب ۰/۰۹۴، مقدار متغیر حمایت مراکز آموزشی، ۰/۲۳۵، متغیر حمایت صنعتگران، ۰/۱۴۴، متغیر قابلیت دسترسی و ۰/۰۷، متغیر توانایی غلبه بر موانع افزایش می یابد. همچنین نتایج نشان می دهد با افزایش یک واحد در مقدار متغیر ویژگی های فردی، ۰/۱۴۴، حمایت مراکز آموزشی، ۰/۴۴۸، متغیر حمایت صنعتگران، ۰/۴۳۷، قابلیت دسترسی به منابع و ۰/۴۵۶، متغیر توانایی غلبه بر موانع افزایش می یابد.

در نهایت با افزایش یک واحد تغییر در هر کدام از متغیرهای تعدیل گر بترتیب ۰/۰۴۵، ۰/۳۹۶، ۰/۱۱۰، ۰/۳۴۶، تغییر در متغیرهای خروجی تحقیق صورت می گیرد.

نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم در برپایی دوره های آموزشی کارآفرینی آن است که به چه کسانی آموزش داده شود؟ در واقع نیازسنجی صورت گیرد، و مشخص گردد اهداف موردنظر هر دوره ویژه چه گروهی از افراد است؟ در یک تقسیم بندی کلی میتوان گروههای چهارگانه ای را برای شرکت در انواع دوره های آموزشی به شرح زیر برشمرد:

- دانش آموزان و دانشجویان که در مجموعه دروس رسمی، اجباری و یا اختیاری خود واحدهای درسی خاص را برای افزایش آگاهی و ایجاد و پرورش انگیزه و تمایل به کارآفرین شدن با اساتید و مربیان خبره پشت سر می گذارند.
 - اعضای هیئت علمی و مدرسان، گروه دیگری هستند که از بین صنعتگران، استادان، دست اندرکاران و صاحب نظران کارآفرینی انتخاب شده و تحت آموزشهای ویژه ای قرار میگیرند تا ضمن آشنایی با اهداف، سرفصل ها، روشها، محتوی و فون آموزش در دوره ها و مقاطع مختلف تحصیلی، توانایی و مهارت تدریس در دوره ها و کلاسهای آموزش کارآفرینی را کسب نمایند و به عنوان حامیان کارآفرینی از کارآفرینان حمایت نموده و به گسترش فرهنگ کارآفرینی بپردازند.
 - کارآفرینان بالفعل و بالقوه گروهی هستند که با مفاهیم و اصول اولیه کارآفرینی آشنا شده و از طریق تجارب فردی دست به انجام فعالیتهای کارآفرینانه زده اند و یا به منظور تکمیل و تقویت توانایی های عملی خود برای گسترش حیطه فعالیت و یا راه اندازی فعالیت جدید و یا در سطح وسیع در دوره های آموزشی ویژه شرکت میکنند تا با اصول مدیریت، حسابداری، بازاریابی و... آشنا شوند و یا از حمایت و پشتیبانی های مالی، علمی، فنی، فرهنگی و زیربنایی بهره مند گردند؛ مانند دوره ای که توسط سازمان بین المللی کار برای آموزش و مشاوره مدیران کارآفرین و کسانی که ایده ای نو برای راه اندازی کسب و کار دارند را با اصول و مفاهیم و روشهای اداره بنگاه در واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی آشنا میکند.
 - اقشار و گروه های در سطح جامعه: این گروه شامل قشر خاصی در جامعه و یا سازمان است که برای مثال میتواند کارکنان یک سازمان و یا گروه ویژه ای در جامعه نظیر زنان سرپرست خانوار، بازنشستگان و... رادبرگیرد و حتی به منظور گسترش فرهنگ و روحیه کارآفرینی در سطح وسیع با ارائه برنامه های تلویزیونی و رادیویی میتوان مردم را با مفهوم کارآفرینی و نقش و اهمیت آن در ابعاد فردی، منطقه ای، ملی و حتی بین المللی آشنا نمود تا در صورت تمایل به مخاطره پذیری و توانایی راه اندازی کسب و کار جدید در دوره های تکمیلی و تخصصی به عنوان کارآفرینان بالقوه شرکت نمایند.
- یکی از مهمترین و مقدم ترین عوامل در طراحی و اجرای یک دوره آموزشی، توجه به اهداف آن است. در تدوین اهداف یک دوره آموزش کارآفرینی نیز ابتدا باید هدف از برگزاری آنرا مشخص نمود. دوره های آموزش کارآفرینی نیز همانند کلیه دوره های آموزشی بر اساس اهداف متفاوتی طراحی میگردند. با وجود این در مجموع فارغ از اهداف ویژه خود سه تغییر اساسی در فراگیران ایجاد می نماید. این سه تغییر شامل تغییر در دانش و معلومات و اطلاعات، تغییر در نگرش و بینش و طرز تلقی افراد نسبت به موضوعات و مسائل

ویژه و در نهایت تغییر در مهارت‌ها و توانایی‌های عملی افراد است. با گسترش حیطه فعالیت‌های آموزشی در حوزه کارآفرینی نیز می‌توان اهداف دوره‌های آموزشی در این زمینه را به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

- دوره‌های آموزشی با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی در بین کلیه اقشار جامعه. این دوره‌ها با تأثیر در بینش افراد نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی و معرفی کارآفرینان موفق و نحوه دست‌یابی آنان به این توفیقات، گروه‌های مختلف اعم از جوانان، اقلیتها، بیکاران، زنان سرپرست خانوار و... را نسبت به این امر حساس و با انگیزه مینمایند تا تمایل به کارآفرین شدن در آنان افزایش یابد و ایده‌های نو را تا دست‌یابی به کمال و نتیجه دنبال نمایند.
- برنامه‌های آموزشی ویژه برای کارآفرینان بالقوه که به افراد آموزش‌هایی از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصتها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار، تمایل به حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن را ارائه میدهند و با الهام بخشیدن به آنان راه دست‌یابی به موفقیت را روشن می‌نمایند.
- دوره‌هایی برای کارآفرینان بالفعل که آنان را راهنمایی میکند که چگونه فعالیت خود را برای رشد بقای فعالیت خود بهبود بخشند و با ارائه آموزش‌های لازم در زمینه مدیریت نوآور و کارآفرین در بنگاه، شیوه‌های بازاریابی، تحلیل امکان‌سنجی، حسابداری، مالیات، قوانین و مقررات شرکتهای نوپا، طراحی و توسعه تولیدات و... کارآفرینان را آماده می‌نماید که فعالیتهای خود را گسترش داده و یا بهبود بخشند.
- برنامه پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از کارآفرینان خصوصاً زنان سرپرست خانوار اعم از حمایت‌های مالی و مادی مانند معرفی بانکهای دولتی و خصوصی و شیوه‌های مشارکت مالی سرمایه‌داران در پروژه‌های جدید خطرپذیر، حمایت‌های علمی و فنی همچون معرفی اساتید و صاحب‌نظران دانشگاه و صنعت در حوزه مورد نظر به کارآفرین، حمایت‌های فرهنگی و معنوی که اغلب دولتها انجام می‌دهند در زمینه مسائلی همچون صدور پروانه، حذف مقررات زائد، تسهیلات مالیاتی و... و معرفی شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان زیرساخت فعالیتهای اقتصادی نوین به کارآفرینان.
- در فرایند توسعه فرهنگ کارآفرینی در مخاطب ابتدای لازم است تا نگرش کارآفرینی در مخاطبان پدید آید یا اگر نگرش نادرست به کارآفرینی دارند، تغییر نگرش صورت گیرد و سپس ارزشها و هنجارهای کارآفرینی انتقال یابد. زمانیکه کارآفرینی به عنوان یک شیوه زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد و در این میان اصلی‌ترین و مهمترین راه برای بسط و ترویج فرهنگ کارآفرینی، رسانه‌ها هستند.
- دستیابی به توسعه علاوه بر ایجاد تغییرات سیاسی و انسانی در جامعه مستلزم پذیرفتن دگرگونی‌هایی است که باید در افراد رخ بدهد. این دگرگونی‌ها باید زمینه‌پذیرش فرهنگ متناسب با کارآفرینی را در افراد ایجاد کند. چراکه کارآفرینان معمولاً از فرهنگ‌هایی می‌آیند که نگرش خصوصی به فعالیتهایی همچون رقابت، وقت، کسب و کار، وضعیت اجتماعی و پول داشته‌اند. نوشته‌های مشهور درباره کارآفرینان حکایت از آن دارد که آنان به سبب پرورششان آغازگر فعالیتهای جدیدند. کارآفرینی اثری نیست و بسیاری از کارآفرینان خانواده یا آشنایان خود «الگوی نقش کارآفرینانه» پذیرفته‌اند و در طول سالهای رشدشان همواره تحت تأثیر آنان بوده‌اند.
- نحوه شکل‌گیری و ثمربخشی کارآفرینی، روشها و شیوه‌های خاصی را میطلبد که بر پایه باورها و ارزشهای ویژه‌ای استوار شده است. مجموعه این روشها و باورها را میتوان یک فرهنگ تلقی نمود. در واقع کارآفرینی در بطن خود فرهنگ خاصی را نهفته دارد. این فرهنگ را میتوان همان فرهنگ حاکم بر افراد کارآفرین و مؤسسات کارآفرینی دانست. در مجموع فرهنگ کارآفرینی مفهومی است که اعضای فعال در یک فرایند کارآفرینی پذیرفته‌اند و ارزشها، باورها و روشهای مشترکی را بر فعالیتهای خود حاکم می‌دانند. فرهنگ کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری مجموعه ارزشها، نگرشها، هنجارها و رفتارهایی است که هویت افراد کارآفرین را تشکیل می‌دهد.

- برخی محققان فرهنگ کارآفرینانه را فقط در ویژگیهای فردی خلاصه کرده اند و برخی ارزشها و شیوه زندگی آنانرا نیز بر شمرده اند. فرهنگ کارآفرینی در سطح فردی در قالب ویژگیهای شخصیتی یک فرد متبلور میشود، اما بر سر ذاتی یا اکتسابی بودن ویژگی های کارآفرینان در بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد. در یک دیدگاه افراطی، ولف معتقد است افرادی که دارای استعداد کارآفرینی اند کارآفرین میشوند و افرادی که دارای اینگونه ویژگیهای طبیعی و شخصیتی نباشند به هیچوجه کارآفرین نخواهند شد (فتحی ۳۸-۳۲: ۱۳۷۹)

پیشنادهای کاربردی حاصل از نتایج تحقیق

- ۱) پیشنهاد می گردد نوع، شیوه آموزشها، سطوح مختلف توانایی یادگیری شرکت کنندگان، انگیزه و علاقه آنها، سطح تحصیلات و تغییر رویکردهای فعلی مورد تاکید قرار گیرد.
- ۲) وجود افراد مشاور شغلی تمام وقت در سطوح اداری سازمانهای حمایتی به منظور برقراری ارتباط و هدایت نظام مند و کشف فرصتها توسط مددجویان ضروری می باشد.
- ۳) قبل از ارائه آموزش های کارآفرینی، وضعیت مددجویان در خانواده و مشکلات آنان احصاء گردد و در جهت رفع یا کاهش آن گامهایی برداشته شود.
- ۴) استفاده از توان بخش خصوصی و سازمان های مردم نهاد می تواند گام بلندی در راستای ارائه آموزشهای موثر کارآفرینی به مددجویان باشد.
- ۵) پیشنهاد می شود در دوره های کارآفرینی از افراد مستعد انتخاب شوند و حضور مددجویان در دوره ها بر اساس علاقه، استعداد و بازار کار مورد بازنگری قرار گیرد.
- ۶) پیشنهاد می شود جهت پایداری روحیه کارآفرینی، از طریق دوره های آموزشی کارآفرینی در رسانه های استانی و ملی در دستور کار قرار گیرد و استفاده از کارآفرینان برتر و موفق جهت برگزاری دوره ها و حضور در اینگونه برنامه ها مورد توجه قرار گیرد.
- ۷) اعطای وام و اعتبارات خرد و تقویت روحیه کارآفرینی و تغییر نگرش به کار در دراز مدت به صورت همزمان پیشنهاد میشود.
- ۸) یکی از روش های آموزش کارآفرینی در بین مددجویان، آموزش از راه دور است که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی اطلاعات (ویدئو، اینترنت، شبکه های مجازی سازمانی ..) ارائه این نوع آموزش منجر به توانمندسازی مددجویان می گردد.
- ۹) مشاوره های مالی، فنی و حقوقی از طریق راه اندازی واحد مشاوره که خدمات مشاوره ای لازم را به صورت تلفنی یا حضوری ارائه کنند ضروری می باشد.
- ۱۰) اهدای پاداش های مادی و معنوی به شرکت کنندگانی که دوره های آموزشی را با موفقیت به پایان رسانیده اند
- ۱۱) بررسی پیامد ها و نتایج آموزش های کارآفرینی در کسب و کارها در عمل و ارائه نتایج آن برای بهبود و یا بازنگری دوره آموزشی می تواند اثربخش باشد.
- ۱۲) با توجه به اینکه آموزشهای کارآفرینی بر افزایش نرخ راه اندازی و رشد بنگاههای اقتصادی اثر مستقیم دارد و باعث توسعه اقتصادی و کسب و کارهای جدید میشود پیشنهاد میگردد اینگونه آموزشها با تقویم زمانی منظم، مریان مجرب و منابع مرتبط با شغلای مناسب برای زنان سرپرست خانوار همگون و متناسب گردد.
- ۱۳) ایجاد بستر فرهنگی لازم در راستای استفاده از پتانسیل و ظرفیتهای مددجویان کارآفرین از طریق برگزاری نمایشگاه، نشستها و سمینارها و مسابقات رسانه ای می تواند در جهت خوداتکائی و توانمندسازی آنها مثرتر باشد.

منابع

۱. ازکیا و غفاری، (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی
۲. جعفری مهتاش، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر خدمات کمیته امداد بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی. گروه تعاون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی.
۳. حاجی میر رحیمی و مخبر، (۱۳۸۹)، بررسی راهکارهای توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان دوره‌های علمی- کاربردی کشاورزی
۴. سعدی، و مازار، (۱۳۸۵) نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، تجربه بانک کشاورزی. مجموعه مقالات اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقر زدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
۵. فتحی و نوابخش، (۱۳۹۳)، تأثیر سرمایه فرهنگی بر توسعه شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده
۶. فروزنده، (۱۳۷۷). بررسی اثرات فرهنگی - اقتصادی طرح‌های خودکفایی بر خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان چهارمحال و بختیار
۷. قائدی، (۱۳۸۷). نظام اجرایی توانمندسازی اقتصادی محرومان، جلد اول، راهبردهای توانمندسازی اقتصادی با محوریت اشتغال، ناشر معاونت اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۸. قائدی، (۱۳۸۵). فقر و راهکارهای فقر زدایی، ناشر معاونت اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۹. کمیته امداد امام خمینی (ره). گزارش عملکردی طرح‌های خودکفایی و اشتغالزایی. آنلاین: قابل دسترس در: <http://www.emdad.ir/activities/m-kholase.asp>
۱۰. معاونت اشتغال و خودکفایی، (۱۳۹۰)، گزارش سالانه اشتغال،
۱۱. موسوی، باقری کشکولی، (۱۳۹۱)، کتاب روش‌های تحلیل جمعیت در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای
۱۲. یداللهی فارسی، میرعرب رضی (۱۳۸۸)، بررسی اراییه برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی

1. Carr, E. S. (2003). Rethinking empowerment theory using a feminist lens: the importance of process. *Affilia- journal of women and social work*. Vol. 18, no. I, pp. 8-20.
2. Kojo, S., Arto, K., Aaltonen, P., Turkulainen, V. (2003). Business models in project-based firms – Towards a typolog of solution-specific business models. *International Journal of Project Management*, 28 (2): 96-106.
3. Worthington, I & Britton, C., (2006), *the Business Environment*. Pearson Education Limited, pp3-4.